

چگونه خدا را بشناسیم

نوشته: دکتر دی پاک چوپرا

برگردان: زهره فتوحی - دکتر فرخ سیف بهزاد

نشر اوحدی

فهرست مطالب

نه	نظر برخی از بزرگان در رابطه با این کتاب
هفده	پیشگفتار
نوزده	به نام و یاد آنکه عشق و ایمان آفرید
۱	۱. خدای واقعی و سودمند
۳۷	۲- سزای اسرار
۵۵	۳- هفت منزل خدا
۷۰	منزل اول: خداوند حافظ
۹۲	منزل دوم: خداوند قادر متعال
۱۱۴	منزل سوم: خدای آرامش
۱۳۹	منزل چهارم: خداوند ناجی
۱۶۱	منزل پنجم: خداوند خالق
۱۸۶	منزل ششم: خداوند معجزات (رویایی)
۲۱۷	منزل هفتم: خداوند هستی ناب (من هستم)

۲۵۷	۴. دستنامه قدیسان
۲۷۴	بیداری معنوی
۲۸۴	میدان ذهن
۳۰۱	۵. قدرت‌های شگفت
۳۰۳	الهام و بصیرت
۳۰۹	نوابغ، کودکان اعجوبه و دانا
۳۱۸	خاطره زندگی‌های پیشین
۳۳۰	تلی پاتی و ادراک فراحسی
۳۳۵	شخصیت‌های پنهان
۳۴۳	هم‌زمانی
۳۴۸	غیب‌بینی و پیشگویی
۳۵۹	۶. ملاقات با خداوند
۳۶۷	نقشهٔ جان (روح)
۳۸۸	حالت یگانگی
۳۹۲	هویت
۳۹۳	ایمان
۴۰۰	قدرت نیت

پیشگفتار

خدای سبحان، رب مردم، مَلِکِ ایشان و اِلَهُ آنان است. خداوند در قرآن کریم این سه صفت را جمع فرموده و می‌گوید پروردگارتان این است که گفتمنان، مُلک از آن اوست، معبودی جز او نیست، پس به کجا منحرف می‌شوید؟ (سوره زمر، آیه ۶) و نیز در آیه ۹ از سوره مزمل به علت ربوبیت و الوهیت خود اشاره نموده و می‌فرماید به علت اینکه او رب مشرق و مغرب است و معبودی به جز او نیست، پس باید تنها او را وکیل بگیری. اصولاً طبع آدمی آن چنان است که وقتی شری گریبانش را می‌گیرد و جانش را تهدید می‌کند و در خود نیروی دفع شر را نمی‌بیند به کسی پناهنده می‌شود که قدرت دفع آن شر را دارد تا به این ترتیب او را در رفع شر کفایت کند.

انسان در این گونه موارد به یکی از سه ملجا و پناه زیر پناهنده می‌شود:
- یا به ربی پناه می‌برد که مدبّر امر او و مربی‌اش است و در تمامی حوایج از کوچک و بزرگ به او رجوع می‌کند و به این جهت در موردی هم که شری متوجه او شده و بقایش را تهدید می‌نماید به وی پناهنده می‌شود تا رفع شر کرده و بقای خود را تضمین نماید. این پناه و ملجا در واقع سببی است.

خدای واقعی و سودمند

این شاهکار حیرت‌آور خداوند است که در عین حال که کسی او را نمی‌بیند، عبادتش می‌کنند. شاید میلیون‌ها نفر از آدمیان، خداوندگار جهان را پدری با محاسن سفید توصیف کنند که در آسمان بر اورنگ شاهی نشسته است، ولی هیچ یک از اینان نخواهند توانست مدعی دیدن خداوندگار باشند. اگرچه به نظر ناممکن است که بتوان حتی یک مورد از حقیقت مربوط به عظمت پروردگار را در برابر دادگاهی قانونی عرضه داشت، ولی اکثریت گسترده‌ای از آدمیان به گونه‌ای به خداوند ایمان دارند و این تعداد طبق بعضی آمارهای موجود به ۹۶ درصد می‌رسد. این امر آشکارساز فاصله‌ای عظیم میان باور و آن چیزی است که امرواقع^۱ روزمره می‌نامیم، و نیازمند آنیم تا این فاصله را پر کنیم.

حال ببینیم اگر به این امور واقع دسترسی داشتیم، چگونه بودند؟ این امور واقع به صورت زیرند: هر چیزی که به عنوان واقعیت مادی تجربه می‌کنیم در قلمرو غیر قابل رؤیت و فراتر از زمان و مکان به وجود می‌آید. علم آشکار ساخته است که این قلمرو حاوی انرژی و اطلاعات است. این منبع نامرئی تمامی موجودات، خلایقی تهی نیست، بلکه خود زهدان آفرینش به شمار می‌آید. چیزی موجب

1. fact

آفرینش و سازمان‌یابی این انرژی می‌شود. این عامل است که هرچومرج و آشفستگی کوانتومی^۱ را به ستارگان، کهکشانها، جنگلهای بارانی، موجود انسانی و افکار، هیجانانگیز، خاطرات و امیال بدل می‌کند. در صفحات آینده خواهیم دید که نه تنها آشنایی با این منبع وجود، از جنبه انتزاعی آن امکان‌پذیر است بلکه می‌توان با این منبع رابطه‌ای صمیمانه برقرار کرد و یکی شد. هنگامی که این حالت اتفاق می‌افتد، افق‌های انسان به سمت واقعیت‌های جدید گشوده می‌شوند و در این مرحله است که می‌توان خداوند را تجربه کرد.

بعد از قرن‌ها آشنایی با خدا از طریق ایمان، اکنون به جایی رسیده‌ایم که آماده درک مستقیم فراست و بصیرت الهی می‌باشیم. از بسیاری جهات، این آگاهی تازه موجب تقویت آن چیزهایی می‌شود که سُنن روحانی وعده داده‌اند. خداوند قابل رویت نیست و با این حال تمامی معجزات از آن اوست. خداوند منشأ هر تکانه عشق است. جمال و حقیقت، هر دو فرزند این خدایند. در حالت ناآشنایی با منشأ نامتناهی انرژی و خلاقیت است که بدبختی‌های زندگی صورت وجود می‌یابند. با نزدیک شدن به خداوند از راه شناخت حقیقی وی، ترس از مرگ تسکین می‌یابد، وجود روح و جان^۲ تأیید می‌شود و زندگی را معنایی غائی می‌بخشد.

مفهوم کلی انسان از واقعیت به هم ریخته است. به جای آنکه خداوند تجسمی خیالی و گسترده باشد، ثابت شده که تنها چیزی است که واقعی است و کل جهان، به رغم وسعت و استحکام آن تجسمی از طبیعت پروردگار است. آن دسته از حوادث اعجاب‌آوری را که معجزه می‌نامیم کلید آثار این بصیر ناگفتنی است. به داستان زیر توجه کنید.

۱. کوانتوم quantum به معنای کمیت یا مقداری از یک چیز، بخشی خاص از یک چیز، هر چیزی که بتوان شمرد یا اندازه‌گیری کرد و در فیزیک به معنای واحد غیرقابل تقسیم انرژی را گویند. فوتون، کوانتوم میدان الکترومغناطیسی است. (به مقدمه همین کتاب رجوع فرمائید).

۲. در این کتاب روح و جان را معادل Soul گرفته‌ایم.